



امکان پذیر است، تبعاتی را که بر مبنای آن قراردادهای مشارکت قابل اجرا نیست - مانند سهم داشتن در ذخایر زیر زمینی نفت و گاز - شامل نمی شود و طبق قوانین ایران، شرکت صرفاً در منافع تولید منابع شریک است نه در ذخایر. اگر سرمایه لازم برای توسعه میدان نفت و گاز ایران از این طریق تأمین شود، دولت منابع خود را می تواند به طرح های زیربنایی دیگر مانند بهداشت و آموزش اختصاص دهد و ایرانیان نیز می توانند از منافع ایجاد شده در توسعه نفت و گاز کشورشان بهره مند شوند. برای به انجام رساندن این مهم، تغییر ساختارهای موجود و وضع قوانین جدید لازم می باشد. مطالب فوق که به صورت یک ایده کلی ارائه گردیده است، می باید با نظر کارشناسان مالی بانک ها و مقامات مسؤول به صورت جدی بررسی شود. ■

۱۲ درصد سود سالانه در شرایط فعلی برای یورو - با در نظر گرفتن آن که مالیات بر منافع اشخاص حقیقی و حقوقی می تواند حداکثر ۲۵ درصد باشد - مناسب است)

● دولت اصل پول سرمایه گذاران را به یورو و حداقل سود پیش بینی شده آنان را از طریق بانک های داخلی و بین المللی تضمین کند.

در آینده شاید بتوان به عوض وام، سرمایه گذاری مستقیم مردم ایران را در طرح های مشخصی که در غالب یک شرکت و یا حضانت شرکت ملی نفت ایران باشد، پیگیری نمود. در چنین شرایطی، سرمایه گذاران ریسک عملیات را نیز خواهند داشت ولی در عوض، در طول عمر طرح منافع قابل توجهی را به دست خواهند آورد. این مهم که به استناد قانون اساسی در غالب قراردادهای مشارکت با خارجیان قابل اجرا نمی باشد، برای ایرانیان مقیم کشور

نفت و پتروشیمی در ایران

مزیت های استراتژیک انرژی

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با مهندس محمدحسن پیوندی، مدیر برنامه ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی

اقتصاد ایران: آقای مهندس! به نظر شما مهمترین مشکلاتی که در حوزه مالی و صنعتی برای کشور ما بر اثر بحران اخیر به وجود آمده، چه می باشند؟

در شرایط بحران اقتصادی، معتقدم می باید تمرکز تصمیم سازان و مسؤولان کشور بر محور تبدیل تهدید به فرصت قرار بگیرد و روی یک نقطه تمرکز داشته باشند، چراکه بحران اقتصادی یک تهدید است و باید این تهدید را به فرصت تبدیل کرد. کشور ما برای مقابله با بحران از پشتوانه بالایی برخوردار است. باید این مهم را قبول کنیم که گریزی از بحران نداریم. بحران جاری، قیمت نفت را تحت تأثیر قرار داده و با توجه به این حقیقت که ۶۰ تا ۶۵ درصد اقتصاد کشور ما وابسته به نفت است، این مسأله اهمیت بیشتری پیدا می کند.

اگرچه ممکن است بحران در کشورهای نفتی از طریق کانال مالی و بازار سرمایه انتقال پیدا نکند، ولی این کشورها با اثرپذیری از قیمت نفت و رکود نفتی به هیچ وجه از بحران ایمن نخواهند بود. این موج به هر حال از سر ما هم خواهد گذشت. امیدواریم این موج، اثر منفی کم و سرعت زیادی برای عبور داشته باشد.

البته این نکته هم حایز اهمیت است که این بحران حتی ممکن است ۵ سال به طول بی انجامد اما نکته ای که من می خواهم روی آن تأکید کنم، همین عدد ۵ سال است، چرا که این ۵ سال، عمر اجرای یک پروژه است و در واقع همان شاه کلید تبدیل تهدید به فرصت می باشد. به همین منظور لازم است طی ۵ سال آینده، پروژه های زیربنایی را اجرا کنیم و این پروژه ها را به عنوان اولویت پروژه های در دست بررسی قرار دهیم.

مهندس محمدحسن پیوندی، مدیر برنامه ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی

حتی شاید لازم باشد در برنامه های چشم انداز ۲۰ ساله هم - با توجه به شرایط کنونی - کمی تغییر ایجاد کنیم. چراکه در زمان تدوین برنامه چشم انداز ۲۰ ساله، چنین بحرانی پیش بینی نشده بود.

باید سعی کنیم پروژه هایی را اجرا کنیم که خیلی به منابع خارجی وابسته نباشند و بتوان آنها را با منابع داخلی به اجرا رساند. فکر می کنم باید اولین اولویت سرمایه گذاری را روی منابع آبی قرار داد. باید نهایت توان را در احداث سد ها به کار بست و با فعالیت های عمرانی، آب را از مکان هایی که امکان هدر رفتن دارند، به مناطق نیازمند انتقال دهیم. تنها با آب و آب رسانی می توانیم شرق کشور را آباد کنیم. به عنوان مثال، با استفاده از ورودی کارون به خلیج فارس و با احداث یک خط لوله، می توان بخشی از آب کارون را از محل ورودی خلیج فارس به استان های کویری نظیر سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد و جنوب خراسان انتقال داد.

همان طور که منابع انرژی فسیلی از اهمیت برخوردارند، منابع آبی هم باید مهم تلقی شوند که در این زمینه، منابع برق آبی اهمیت زیادی دارند. البته این مسأله به فن آوری عجیبی نیاز ندارد.

موضوع بعدی سهم ذغال سنگ در تولید انرژی است. با توجه به این که ایران دارای ذخایر فراوانی از ذغال سنگ می باشد، باید برای افزایش تولید انرژی، سهم این حامل را در این فرایند افزایش دهیم. به عبارتی نیروگاه های ذغال سنگی را به سطح کشورهایی همچون چین برسانیم.

مسأله دیگر، توسعه راه ها است که البته در سند برنامه هم دیده شده است. من قبلاً پیشنهادهایی را بر

این مبنا داده بودم که بر اساس نیروگاه های سیکل ترکیبی و با استفاده از منابع گازی پارس جنوبی، نیروگاه های سیکل ترکیبی گازی را در مناطقی که آب کافی برای اداره این نیروگاه ها وجود دارد، احداث کرده و یک شبکه برق مستقل برای اداره راه آهن های مدرن ریلی، مستقل از شبکه برق مصرفی خانگی و صنعتی ایجاد کنیم. به این وسیله انرژی هیدروکربوری منابع گازی پارس جنوبی را به پارامتر سرعت تبدیل می کنیم. به این ترتیب، با توجه به این که سوخت حمل و نقل سنگین کشور با استفاده از گازوئیل صورت می گیرد، میزان نیاز و مصرف گازوئیل کاهش می یابد، چراکه راه آهن های مدرن برقی جایگزین بخشی از حمل و نقل سنگین با سوخت گازوئیل خواهد شد و با توجه به این که قیمت گاز، منطقه ای بوده و قیمت گازوئیل جهانی است، با این عمل در مصرف و واردات گازوئیل صرفه جویی مناسبی صورت می گیرد و در درازمدت بخشی از هزینه های سرمایه گذاری برای راه آهن های مدرن جبران می گردد.

بنابراین، مجموع این طرح های زیربنایی باید ظرف این ۵ سال، مورد توجه و تمرکز قرار بگیرد، چراکه به همان نسبت که قیمت ها در اثر بحران مالی کاهش پیدا کرده اند، قیمت تجهیزات نیز تنزل یافته است. قیمت میلگرد، فولاد و ماشین آلات صنعتی که برای احداث زیرساخت ها لازم است، کاهش پیدا کرده اند و باید از این فرصت استفاده کنیم. زمانی که نفت کشور ما ارزان خریداری شود، ما نیز باید کالاهای آنها را ارزان خریداری کنیم. این سبب می شود که در داخل کشور، هم گردش پول در اقتصاد سرعت بگیرد و هم اشتغال ایجاد شود که به این ترتیب، تا حدودی از تأثیرات بحران مالی کنونی مصون بمانیم.

اقتصاد ایران: لطفاً در رابطه با نقش ذغال سنگ به عنوان یک حامل انرژی ارزان و فراوان در کشور توضیحات لازم را بفرمایید؟

در رابطه با نیروگاه های ذغال سنگی، تنها

نیروگاهی که در ایران در حال احداث است، نیروگاهی است که در اطراف معادن ذغال سنگ طبس پیش بینی شده که اجرای آن، سرعت بسیار کندی دارد. در این مورد باید توجه داشت که به چه دلیل در کشورهایی نظیر چین و آفریقای جنوبی، سهم بالایی از انرژی مصرفی به ذغال سنگ اختصاص دارد.

طبق پیش بینی های آژانس بین المللی انرژی، سهم ذغال سنگ در تولید انرژی جهان در سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ بسیار بالا خواهد بود. بنابراین نباید به استناد آن که ایران کشوری نفت خیز است، اقتصاد تبدیل ذغال سنگ به انرژی الکتریسیته را تحت تأثیر قرار دهیم، بلکه حتی باید بخش زیادی از برق تولیدی کشور را به ذغال سنگ اختصاص دهیم و از گاز و نفت در پتروشیمی استفاده کنیم. فرایندی که آفریقای جنوبی پس از تحریم نفتی خود در جریان آپارتاید به آن اقدام کرد بسیار جالب توجه است. در این کشور، ذغال سنگ را طبق یک فن آوری به گاز تبدیل کرده و سپس گاز را به بنزین تبدیل نمودند. پس از آن بخش زیادی از این هیدروکربورها را به محصولات پتروشیمی تبدیل کردند.

اقتصاد ایران: بحران اقتصادی چه تأثیری بر صنعت پتروشیمی کشور داشته است؟

تأثیر بحران بر پتروشیمی بسیار سنگین است، چراکه متناسب با کاهش بهای نفت، قیمت محصولات پتروشیمی هم به همان نسبت با افت مواجه گردیده است. در نتیجه درآمد حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی به شدت کاهش می یابد و از آنجا که پتروشیمی از بُعد منابع مالی به دولت وابسته نبوده و تنها متکی به منابع درآمدی خود می باشد، لذا بحران مالی از این منظر بسیار تأثیرگذار بوده است. از طرفی، از آنجا که صنعت پتروشیمی ایران، طرح های توسعه ای خود را تا ۱۰ سال آینده تعریف کرده، با توجه به بحران اخیر و حتی تحریم های موجود، اجرای این طرح ها با مشکل مواجه خواهند شد.

اقتصاد ایران: نظر شما در رابطه با طرح هدفمند کردن یارانه ها و حامل های انرژی چیست؟

در این که انرژی در این کشور به هدر می رود و ما ارزش انرژی را نمی دانیم هیچ شکی نیست. مصداق بارز آن این است که ما می خواهیم در تمام روستاهای خود - که حتی ممکن است تنها دو خانوار در آنجا زندگی کنند - حتماً گاز طبیعی لوله کشی داشته باشیم. ما باید یارانه انرژی را از بخشی که هدر می رود بیرون بیاوریم.

نکته ای که باید به آن اشاره کرد این است که اسم لایحه دولت، لایحه حذف یارانه ها نیست، بلکه هدفمند کردن یارانه ها است. از دیدگاه من، در این مورد هیچ جایگاهی به اندازه صنعت از اهمیت برخوردار نیست. این یارانه ها باید در دو محور کشاورزی و تولید به کار رود، نه در جای دیگر. بازده این دو بخش، خود به

خود به حذف آن بخشی که در انرژی به هدر می رود باز خواهد گشت. شخصاً به هیچ عنوان موافق نیستم که قیمت گاز طبیعی در بخش صنعت - به خصوص صنعت پتروشیمی - افزایش پیدا کند. چراکه گاز طبیعی در صنعت پتروشیمی در سه نقطه بسیار تأثیرگذار است: یکی در تولید کود اوره است.

کود اوره محصولی است که هم کشاورزی کشور به آن احتیاج دارد و هم این که ماده صادراتی خوبی است که با یک فرایند ساده به دست می آید و ما اکنون بر فرایند اجرا، روند تفصیلی و تولید این ماده مسلط هستیم که البته تشویق کننده بخش خصوصی نیز می باشد. مصرف دیگر گاز در تولید متانول است. این ماده یکی از مواد اصلی صنعت شیمیایی جهان است که

متن کامل در: متشکریم.

فضای وارونه کسب و کار



دیدگاه آقای جعفر ذره بینی، مدیر عامل و عضو هیأت مدیره شرکت پریس

فضای کسب و کار متأثر از شرایط حاکم بر کشور و جامعه است. یعنی هر تصمیم، صحبت و واکنش دولتمردان روی فضای کسب و کار تأثیر می گذارد. متأسفانه اخیراً فضای کسب و کار ما تحت تأثیر رکود جهانی قرار گرفته و شرایط نامطلوبی را در بخش های صنایع، تجارت و اصناف شاهد هستیم که این امر بر خلاف تصور برخی افراد که ایران را به واسطه عدم ارتباط با قدرت های بزرگ اقتصادی جهان که از بحران جهانی میرا می پندارند می باشد. اقتصاد بین الملل در شرایط کنونی، به واسطه روان بودن امکانات و تکنیک های اطلاعاتی، حتی در فواصل ثانیه ای تأثیرگذار است. از طرفی کشور ما علاوه بر این مسایل، با موضوع تحریم نیز مواجه است که این مسأله، شرایط نامطلوب را تشدید می کند. تأثیر این تحریم ها طی این سال ها آنچنان زیاد بوده که کسی نمی تواند آن را انکار کند. ما که یکی از بزرگترین کشورهای صادرکننده های انرژی در دنیا هستیم و طبیعی است از شرایط و جو حاکم بر دنیا تأثیر بپذیریم. این در حالی است که علیرغم همه مشکلات، همچنان جهان ما را به عنوان زعيم منطقه می شناسد. با این وجود، متأسفانه در تصمیمات و سیاست های دولت و بحران ها و تنش های جهانی، ارتباطی منطقی وجود ندارد.

فضای کسب و کار ما قانون مدونی ندارد. قانون کار با مشکلات عدیده ای مواجه است. دولتمردان با این که به تمام زوایای تاریخ فضای کنونی کسب و کار کشور پی برده اند اما آن را اصلاح نمی کنند که این موضوع بسیار بحث برانگیز است. اما مسأله مهم تر، تدوین قانون مربوطه است که به زمان نیاز دارد. خوشبختانه مدتی است که تدوین قانون فضای کسب و کار به اتاق بازرگانی محول شده و تیمی متشکل از بخش خصوصی در حال تدوین قانون فضای کسب و کار، تحت مدیریت اتاق ایران می باشند که امید است با هماهنگی بخش خصوصی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، بتوانیم

نه فقط پتروشیمی، بلکه مواد پایین دستی زیادی به آن وابسته اند.

در متانول ۹۴ درصد گاز طبیعی مربوط به خوراک واحد است و ۶ درصد آن به بخش انرژی ارتباط دارد. بنابراین وقتی از هدفمند کردن یارانه ها در بخش انرژی صحبت می کنیم، تنها آن ۶ درصد باید تأثیرگذار باشد نه ۹۴ درصد دیگر، چراکه این ۹۴ درصد خوراک است و حتی باید قیمت آن را پایین تر هم بیاوریم تا جذابیت سرمایه گذاری ایجاد شود، صادرات این محصول بیشتر شود و به تبع آن اشتغال بالا رود تا به هدف اصلی هدفمند کردن یارانه ها برسیم.

قانون مناسبی را برای این مهم تدوین نماییم.

هدفمند کردن یارانه ها از مقوله هایی است که مورد توافق همگان است اما اگر قرار بر این باشد که این امر از بخش انرژی - که بخش مهمی در تولید و اقتصاد است - آغاز شود، می بایست تمام زوایای این طرح مورد بررسی واقع شود و سپس اجرایی گردد. هر کسی که با الفبای اقتصادی آشنا باشد می تواند شرایط توری حاصل از اجرای شتاب زده این طرح را پیش بینی کند. در این مورد، بسیار مهم است که تدبیر شایسته ای اندیشیده شود. چراکه در شرایط کنونی کشور فضای کسب و کار، حذف مزیت های تولیدی می تواند ضربات جبران ناپذیری بر پیکره اقتصاد کشور وارد کند. شاخصه اصلی کارآفرینی، قدرت ریسک پذیری است که بخش خصوصی نیز آمادگی پذیرش ریسک را دارد؛ بررسی تاریخچه کارآفرینی در سال های اخیر، دورنمای نامناسبی را از وضعیت کارآفرینی در سال های آتی به نمایش می گذارد. امیدواریم دولت به این نقطه نظر رسیده باشد که اگر بخواهد گره ای را از مشکلات کشور باز کند، باید بتواند از بخش تولیدی که همان بخش خصوصی است حمایت کرده و زمینه گسترش رشد و رونق اقتصادی را فراهم کند، چراکه در زیر سایه تولید، معضل بیکاری حل می شود و وابستگی های کشور را کاهش می دهد. مهمترین مشکل دولت بیکاری است که فضای اقتصاد جامعه را در بر گرفته است و دولت باید این مشکل را حل کند. اگر دولت با همین امکاناتی که در اختیار دارد - چه کم و چه زیاد - با لطف بیشتر، بدون تنگ نظری و با امیدواری به این مطلب که بخش خصوصی به خاطر عرق ملی خود، صحنه را ترک نخواهد کرد، این بخش را یاری نماید، بدون شک مشکل بیکاری در کشور حل خواهد شد. ■